

به دستور رئیس جمهور درباره افزایش ظرفیت تخصص عمل نشد

افزایش ظرفیت دستیاری پزشکی: فقط ۷ درصد



ابوالقاسم ر حمانی

دبیر گروه جامعه

-از کجا اومدی؟

-پاسوج

-مگه اونجا پزشکی نداره؟

-متخصصی که مامی خواستیم اونجان نیست.

-باید میومدی تهران؟

-چاره‌ای نیست.

-چندروزه اینجایید؟

-چهار روزی هست و شب‌ها هم تو ماشین می‌ایومیم.

این مکالمه من با یکی از بیمارانی است که قبلا هم اگر اشتباه نکنم در صفحه‌شخصی خودم در فضای مجازی منتشر کردم.

همراه بیماری که از پاسوج به تهران آمده بود جهت درمان

بیماری همسرش. می‌گفت آنجا پزشک متخصص مورد نیاز

آنها نیست یا اگر هست آنقدر سرشان شلوغ است و آنقدر

وقت نمی‌گذارند که می‌ارزد رنج سفر به تهران یا پژو ۴۰۵ از

کارافتاده‌اش را تحمل کنند و به درد و بیماری شان برسند.

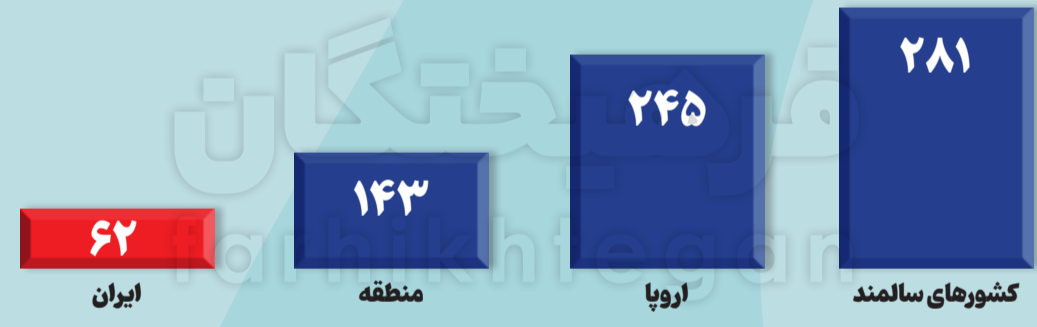
دوست و آشناسی نزدیکی هم نداشتند و شب‌وروز را داخل

راستش را بخواهید هرباری که از مساله کمبود پزشک در کشور نوشتم و از درد مردم گفتم که به هر علتی، با این وضعیت توزیع پزشک در کشور و عدم دسترسی مردم به پزشکان متخصص نمی‌شود با جان و سلامتی مردم بازی کرد، عده‌ای برای ما دست‌زند و هورا کشیدند و یک عده دیگر هم ما را به بی‌سوادی متهم کردند که شما اصلا نمی‌دانید مساله کمبود پزشک از کجا نشات می‌گیرد و اساسا چنین چیزی نداریم و اگر عده‌ای از مردم در کشور دسترسی به پزشک متخصص ندارند علتش نه در کمبود، بلکه در توزیع و عدم درآمد کافی و مسائلی از این دست است و قس علی‌هذا. منتها چیزی که واضح و مبرهن است و محل ایراد خیلی‌ها، اینکه مردم خصوصا در شهرستان‌ها به پزشک دسترسی ندارند، به پزشک خوب دسترسی ندارند، به پزشک باانصاف و کم‌هزینه‌تر هم سخت دسترسی دارند. بنا براین باید فکری به حال وضع موجود کرد. سال ۱۴۰۰ رئیس‌جمهور گفت: «در اولین جلسات شورایی‌عالی انقلاب فرهنگی تصمیم گرفته شد زمینه برای جذب دانشجویان مستعد خواهان تحصیل در دوره تخصص پزشکی فراهم شود.» بهمین ماه همان سال وزارت بهداشت موظف شد تا طرحی را برای این مساله یعنی افزایش ظرفیت پزشکی ارائه کند و برای این موضوع هم ضرب‌الاجل دو ماهه مقرر شد. دو سال بعد یعنی در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ وزیر بهداشت گفت: «اسمال ظرفیت رشته‌های تخصص پزشکی ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.» منتها در تیرماه و بعد از انتشار دفترچه آزمون تخصصی مشخص شد فقط ۷ درصد ظرفیت رشته‌های تخصص پزشکی را بالا بردند. این پروسه و آن جمله آخر یعنی ما هم شاهد فehm مساله کمبود پزشک، خصوصا پزشک متخصص هستیم و هم از آن مهم‌تر به فکر راهکار افتاده‌ایم، فارغ از اینکه آیا راهکاری که انتخاب کرده‌ایم درست است یا غلط و آیا می‌تواند دردی از ما درمان کند یا خیر، وزارت بهداشت هم به‌عنوان متولی اصلی آموزش پزشکی در کشور این مساله و راهکار پیشنهادی را پذیرفته و موظفاتی هم داشته، اما آن را در حداقلی‌ترین حالت ممکنش پیش برده و انجام داده است.

در ماه‌های اخیر اظهارات متناقض مسئولان وزارت بهداشت بیانگر نبود برنامه‌های مشخص برای افزایش ظرفیت پزشکی بوده است. پیش از این وزیر بهداشت اعلام کرده بود که در سال ۱۴۰۲، ظرفیت پذیرش پزشک متخصص مانند سال گذشته ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. پس از آن باقری‌فره، معاون آموزشی وزارت بهداشت این گفته را رد کرد و خبر افزایش ۷ درصدی این ظرفیت‌ها را رسانه‌ای کرد. این بی‌برنامگی وزارت بهداشت در وهله اول امکان برنامه‌ریزی برای تامین امکانات آموزشی و رفاهی را از دانشگاه‌های علوم پزشکی سلب می‌کند. علاوه‌بر این باعث سردرگمی داوطلبان مقطع تخصص نیز شده است. تیرماه امسال برزویی، دبیر ستاد علم و فناوری شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در گفت‌وگویی با روزنامه ایران به این مساله واکنش نشان داد. وی ضمن اشاره به اینکه وضعیت کمبود پزشک متخصص در کشور بدتر از کمبود پزشک عمومی است، خاطرنشان کرد: «طبق توافقی که با وزارت بهداشت شده شورای عالی منتظر ارائه یک پیش‌نویس در زمینه افزایش ظرفیت پزشکان متخصص از سوی این وزارتخانه است.» اشاره برزویی به ماده واحده افزایش ظرفیت پزشکی عمومی است. این صوبه‌دی‌ماه ۱۴۰۰ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت بهداشت ابلاغ شده است. این شورا که ریاست آن را رئیس‌ی برعهده دارد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را موظف کرده که طی دو ماه پس از ابلاغ این مصوبه طرح پیشنهادی خود را برای تشویق داوطلبان و افزایش ظرفیت پذیرش تخصص پزشکی ارائه دهد. امروز پس از گذشت ۱۵ ماه از این ابلاغ همچنان شورای عالی منتظر اقدام این وزارتخانه است.

آیا وزارت بهداشت ترک فعل کرده است؟

سرازم پزشک متخصص ایران در مقایسه با میانگین دیگر کشورها (در هر ۱۰۰ هزار نفر)



مقایسه ظرفیت پذیرش تخصص در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲				
رشته	ظرفیت ۱۴۰۲	ظرفیت ۱۴۰۱	تغییر به تعداد	تغییر به درصد
پزشکی ورزشی	۱۹	۱۷	۲	۱۲ درصد
روانپزشکی	۲۲۱	۱۹۷	۲۴	۱۲ درصد
پوست	۷۰	۶۲	۸	۱۳ درصد
رادیولوژی	۳۸	۳۲	۵	۱۵ درصد
پزشکی هسته‌ای	۲۰	۱۷	۳	۱۸ درصد
پزشکی اجتماعی	۳۳	۲۶	۷	۲۷ درصد
جمع	۴۶۰۶	۴۳۱۲	۲۹۴	۷ درصد

مقایسه ظرفیت پذیرش تخصص در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲				
رشته	ظرفیت ۱۴۰۲	ظرفیت ۱۴۰۱	تغییر به تعداد	تغییر به درصد
طب کار	۲۹	۲۷	۲	۷ درصد
بیهوشی	۳۹۵	۳۹۰	۵	۱ درصد
طب فیزیکی	۵۶	۵۱	۵	۱۰ درصد
عفونی	۱۶۸	۱۵۳	۱۵	۱۰ درصد
قلب و عروق	۲۷۸	۲۵۳	۲۵	۱۰ درصد
اطفال	۵۴۸	۴۹۸	۵۰	۱۰ درصد
جراحی مغز و اعصاب	۹۴	۸۵	۹	۱۱ درصد

مقایسه ظرفیت پذیرش تخصص در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲				
رشته	ظرفیت ۱۴۰۲	ظرفیت ۱۴۰۱	تغییر به تعداد	تغییر به درصد
جراحی عمومی	۲۹۸	۲۷۸	۲۰	۷ درصد
رادیولوژی	۲۶۱	۲۴۷	۱۴	۶ درصد
زنان و زایمان	۳۴۴	۳۲۶	۱۸	۶ درصد
ارتوپدی	۱۷۰	۱۶۱	۹	۶ درصد
طب اورژانس	۳۹۵	۳۷۹	۱۶	۴ درصد
نورولوژی	۱۳۰	۱۲۲	۸	۷ درصد
پزشکی قانونی	۳۰	۲۸	۲	۷ درصد

مقایسه ظرفیت پذیرش تخصص در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲				
رشته	ظرفیت ۱۴۰۲	ظرفیت ۱۴۰۱	تغییر به تعداد	تغییر به درصد
جراحی توراکس	۵	۰	۵	اولین سال
جراحی قلب و عروق	۶	۰	۶	اولین سال
آسیب‌شناسی	۱۳۱	۱۲۹	۲	۳ درصد
داخلی	۵۹۸	۵۷۹	۱۹	۳ درصد
چشم‌پزشکی	۹۷	۹۲	۵	۵ درصد
گوش و حلق و بینی	۸۶	۸۰	۶	۸ درصد
اورولوژی	۸۶	۸۲	۴	۵ درصد

سبک زندگی پایدار؛ نقطه عطف توجه مدیریت شهری در جلب مشارکت شهروندی

شهروند دارند و معمولاً رفتارهای اجتماعی این افراد با دیگران از تعادل خوبی برخوردار است و همین امر سبب می‌شود میزان تاثیرگذاری بالایی روی دیگر افراد داشته باشند.

مدیریت شهری و غفلت از راهکارهای درست

طبق آنچه که گفته شد در شرایط فعلی کشور وضعیت مشارکت‌پذیری پایتخت، تغییر رویه و انتخاب‌مسیرهای جدید‌تنها راه‌برون‌رفت از این شرایط است. مدیریت‌شهری برای موفقیت در نگهداشت‌شهر به کمک و همراهی شهروندان نیاز دارد. تغییر الگوی مواجهه با شهروندان مخصوصا در تهران به‌عنوان پایتخت و الگوی سایر شهرها و توجه بیشتر به کاهش تولید پسماند موضوعی است که باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. شهرداری تهران به‌منظور مدیریت‌بهره‌چهرت‌پسماندها به‌جای برنامه‌ریزی‌های غیرکارشناسانه و اجرای طرح‌های فاقد پسمند‌های لازم فنی، «محیط‌زیستی و اجتماعی و کلنگ‌زنی پروژه‌های پرهزینه، بایستی به سمت جلب مشارکت مردم روی آورد که این مهم و نیز برقراری ارتباط موثر با شهروندان تنها به پایه صداقت و همراهی دوجانبه شکل خواهد گرفت. تا وقتی که شهرداری تهران با تاکید تشکیک‌ودریافت‌پسماندها باقیمت‌های غیرواقعی و ناعادلانه، منافع مردم‌افزایی‌بیماتکاران مافیابوروخود کند راه‌به‌جایی نخواهد برد. شکل‌گیری این ارتباط بین مردم ومسئولان شهری زمانی محقق خواهد شد که گفتمان به‌سوی موضوعاتی سوق داده شود که در ابتدای امر به سود زندگی مردم باشد و بعد شهرداری از رفتار مردم منتفع شود. ترویج سبک زندگی پایدار همان نقطه‌ای است که شهرداری تهران برای موفقیت‌ناگزیر به استفاده از آن است. زمانی که آگاهی عمومی در این خصوص بالا رفته و شهروندان با مزایا و فواید آن آشنا شوند در وهله اول منافع اقتصادی و بعد از آن ارتقای سطح سلامت خانواده محرک ایجاد ارتباط موثر شده و شهرداری می‌تواند از طریق همین کانال ارتباطی برقرار شده و مهارت‌آموزی درخصوص مدیریت پسماندهای اجتناب‌ناپذیر در منزل، هم از محیط شهری تمیزتری برخوردار شود و هم شاهد افزایش ناخودآگاه درصد تفکیک پسماندها شود. بی‌شک تحقق این آرمان تنها با بهره‌گیری از توان نیروهای متخصص، با تجربه، دلسوز و پاک‌دست امکان‌پذیر است و یافشاری بر بی‌مومن راه گفته و قدیمی، ما را به هیچ مقصد جدیدی نخواهد رساند.

شهروند و مخاطب مورد استقبال قرار گیرد آگاه‌سازی درخصوص نحوه انتخاب‌های درست در زندگی روزمره است. زمانی که مفهوم زندگی پایدار را جست‌وجو می‌کنید با این عبارات مواجه می‌شوید: زندگی پایدار به انگلیسی Sustainable Living یک روش زندگی است که بر کاهش استفاده فرد و جامعه از منابع طبیعی تاکید دارد. افرادی که این روش زندگی را برمی‌گزینند اغلب تلاش می‌کنند تا با تغییر عادات زندگی، مصرف انرژی و رژیم غذایی کرین‌دی اکسید کمتری تولید کنند. طرفداران این روش زندگی سعی می‌کنند زندگی خود را با پایداری محیط‌زیست واحترام به رابطه‌هم‌زیستی با طبیعت وفق دهند. فلسفه‌وروش زندگی پایدار رابطه‌تنگاتنگی با اصول توسعه پایدار نیز دارد. «در این جملات با مفهومی مواجه می‌شویم که سخن از تولید کمتر دی اکسید کربن دارد یا به قول دوستداران محیط‌زیست «کاهش رد پای کربن»، همان موضوعی که در حال حاضر بحث اصلی در حوزه گرمایش جهانی است. طبق تعاریف ارائه‌شده در منابع مختلف رد پای کربن (carbon footprint) به میزان کل انتشار گازهای گلخانه‌ای (GHG) ایجاد شده توسط یک سازمان، خردا، محصول یا شخص گفته می‌شود پس می‌توان گفت «سبک زندگی پایدار»، شما را به سمت بهترین انتخاب جهت ایجاد کمترین رد پای کربن» رهنمون می‌کند. این انتخاب‌ها ممکن است در هر یک از ابعاد زندگی نمایان شود، از انتخاب وسیله‌تقلیه جهت جابه‌جایی تا خرید یک هدیه پایدار برای یک دوست. در سبک زندگی پایدار افراد رژیم غذایی سالم و ارگانیک را انتخاب می‌کنند، مقدار دورریز غذایی خود را کاهش می‌دهند و در مصرف صرفه‌جویی می‌کنند، از پلاستیک کمتری استفاده می‌کنند، از انرژی و آب به‌صورت‌بهینه بهره می‌گیرند، عادت‌های خرید خود را اصلاح می‌کنند، در حد امکان با استفاده از وسایل دست‌دوم یا تعمیر وسایل در اختیار از خرید غیرضروری اجتناب می‌کنند به عبارتی برای رفع نیاز، خرید را به‌عنوان آخرین گزینه در نظر می‌گیرند، حداقل مصرف سوخت را دارند، پسماندهای خود را برای بازیافت آماده می‌کنند... طبق تجربه، افرادی که سبک زندگی پایدار را انتخاب کرده‌اند در تقویت روحیه و انرژی بدنی خود موفق بوده‌اند، از سلامت جسمی و روانی بالاتری برخوردارند، وضعیت آنها از لحاظ اقتصادی بهبود پیدا کرده است، اعتماد به‌نفس بالاتر و هدف‌گذاری دقیق‌تری در

که قابل تأمل است و به‌عنوان معضل می‌توان از آن نام برد، ترکیب و میزان سمیت پسماند کشور بالاخص در تهران است. نوع پسماند مخلوطی که از رفتار تولیدکننده ایجاد می‌شود با توجه به ترکیبات آن مسیر بهره‌گیری از تکنولوژی و موفقیت در این بخش را سخت‌تر کرده و عملا عدم خلوص پسماند جمع‌آوری و پردازش شده در شهر تهران باعث شده که بسیاری از تکنولوژی‌های دفع با ریسک‌کرد کاهش دفن، علی‌رغم ادعای متولیان امر، نتوانند بازدهی لازم را داشته باشند و محصولات تولیدی هم از کیفیت کافی برخوردار نبوده و عملا سرمایه‌گذاری روی بهره‌گیری از تکنولوژی در مقصد نتوانند راه‌به‌جایی برد و اینجاست که نقش مبدارینگ‌تر می‌شود، آنجایی که تاکنون مدیریت شهری به دلیل سیاست‌های غلط و کارشناسی نشده نتوانسته هیچ موفقیت‌قابل‌اعتنایی در مدیریت آن کسب کند. آنالیز پسماند شهر تهران که در سال ۱۳۹۸ و در خلال تدوین طرح جامع مدیریت پسماند پایتخت صورت گرفته نشان می‌دهد که تهرانی‌هانزدیک‌به ۵۸ درصد ترکیب پسماند تولیدی شان را پسماند آلی یا همان باقیمانده مواد غذایی تشکیل می‌دهد و رتبه‌های بعدی در اختیار پسماند شمع و نایلون با ۱۰٫۵ درصد و مقوا و کارتن ۳٫۵ درصد در رتبه‌های بعدی هستند. با توجه به این اعداد و ارقام و میزان بالای درصد پسماند غذایی به نظر می‌رسد مدیران شهری بهتر است به جای تلاش بی‌فراجم جهت وادار کردن مردم به جداسازی پسماند خشک و تحویل آن به پیمانکاران فریه‌انها، روی کاهش پسماند و تغییر سبک زندگی در مسیر پایداری تمرکز کنند که هم مردم با آگاهی بیشتری قدم بردارند و هم منابع کمتری دچار هدررفت شود. البته مدیران شهری نخست باید به‌این‌باور برسند که با این تغییر نقطه‌تمرکز، در بلندمدت هم شهرداری‌ها منتفع خواهند شد و هم شهروندان.

لزوم تغییر سبک زندگی به سمت پایداری

نقطه‌ای که مدیران شهری درباره آن اطلاعات کافی ندارند یا به‌صرفه نیست در دوران مدیریت خود برای آن وقت تلف کنند توجه به تغییر سبک زندگی شهروندان و رفتار گرفتن در روند زندگی روزمره آنان است. آنچه طی سال‌ها همیشه مشاهده کرده‌ایم رفتارهای آمانه در جهت تفکیک پسماند بدون پاسخ در دست به چربی انجام این امر توسط مردم است. آنچه که می‌تواند برای